

## پشت سر نهادن همیشگی بدبختی نرخ ارز

دست‌کم یک دهه است ایرانیان از هر گروه و دسته و به هر میزان درآمد و هر کسب و کار و پیشه‌ای در چنگ تغییرات شگفت‌انگیز و به عبارت دقیق‌تر پرش‌های بلند نرخ تبدیل ارزهای معتبر از جمله دلار به پول ایران گرفتار شده‌اند.

شهروندان، صاحبان و مدیران بنگاه‌های اقتصادی، صنعتی و بازرگانی به چشم دیده‌های ZWNJ؛ اند نرخ تبدیل هر دلار آمریکا از ۱۰۰۰۰ ریال به ZWNJ؛ طور متوسط در ۱۳۹۰ به حداقل ۲۱۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۹۹ رسیده است. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد قیمت هر دلار آمریکا در یک دوره ۱۰ ساله ۲۱ برابر شده است. از سوی دیگر به هر دلیل منطقی-اقتصادی یا سیاسی، تغییرات نسبی همه انواع کالاها و خدمات با درنگ ZWNJ؛ها و تأخیرهایی خود را با قیمت دلار در بازار آزاد همسنگ کرده و با افزایش ZWNJ؛های بهت‌برانگیز رو به رو بوده‌اند. رشدهای شتابان قیمت کالاهای موردنیاز عمومی ایرانیان مثل مواد و عقب ماندن نرخ رشد مزد و حقوق موجب شده است بنابر برخی گزارش‌های پژوهشی در دهه ۱۳۹۰ رقمی برابر با ۳۵ درصد جامعه ایرانی زیر خط فقر قرار بگیرند که رقم دهشتناکی است و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آسیب‌زا ZWNJ؛ ساز بزرگی دارد.

از سوی دیگر اقتصاد ایران برخلاف تمایل و خواست مقام‌های سیاسی در همه نیم سده تازه سپری شده توانایی به دست آوردن استقلال از اقتصاد جهانی را به دست نیاورده است. به ZWNJ؛ طوری که تنها برای واردات نهاده‌های دامی، دارو و تجهیزات پزشکی و کالاهای اساسی مثل شکر، برنج، روغن نباتی و چای سالانه میلیاردها دلار باید ارز داشته باشیم. علاوه بر این و بر اساس تقسیم ZWNJ؛ بندی ZWNJ؛های رایج ارائه شده از سوی نهادهای رسمی دولتی از کل واردات ایران ۸۵ درصد آن واردات مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌گذاری و واسطه‌های تولیدی است. به ZWNJ؛ طوری که اگر واردات ایران کاهش یابد شاهد رکود تولید خواهیم بود که بر نرخ بیکاری مؤثر است. همچنین درآمد ارزی ایران بیشتر از هر کالایی به درآمد صادرات نفت خام و نیز میعانات گازی و فرآورده‌های نفت و پتروشیمی وابسته است. براساس تازه‌ترین آمار ارائه شده از سوی معاون اول ریاست جمهوری در نمایشگاه نفت و گاز در دو سال اخیر رقمی معادل ۱۰۰ میلیارد دلار از درآمد ارزی ایران به ZWNJ؛ دلیل تحریم ZWNJ؛ها کاسته شده است. همه آنچه در بالا نگاشته شد برای نشان دادن اهمیت نرخ ارز در کسب و کار و معیشت ایرانیان است و متأسفانه در وضعیت غم‌انگیزی قرار داریم.

### آزادی الزامی نرخ ارز

آیا راهی برای پشت سر نهادن این وضعیت ناراحت‌کننده و آسیب‌زننده به شهروندان و منافع ملی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد اصلاح سیاست‌های ارزی و در کانون این سیاست‌ها اصلاح ساختار نرخ ارز وجود دارد. تجربه جهانی نشان می‌دهد شمار قابل‌اعتنایی از کشورهای جهان این مسأله را حل کرده‌اند. به این ترتیب که بیشتر کشورها سیاست سرکوب نرخ ارز را که تثبیت دستوری نرخ تبدیل ارزهای معتبر در برابر پول ملی است کنار نهاده و در بدترین حالت سیاست ارزی مدیریت‌شناور ارز را جایگزین کرده و نیز از آن هم عبور و راه را برای آزادسازی نرخ ارز در بازار آزاد صاف کرده‌اند. بنابراین، ایران نیز چاره‌های ZWNJ؛ای ندارد و تجربه جهانی و منطق نیرومند دانش اقتصاد می‌گوید باید آزادسازی واقعی نرخ ارز اتفاق بیفتد.

### مانع اصلی آزادسازی

دقت در گفتار و ماهیت مدافعان سیاست‌های ارزی که توصیه به سرکوب نرخ ارز دارند یا می‌گویند باید دولت و بانک مرکزی الزاماً دامنه تغییرات نرخ ارز را در کنترل داشته باشد این است که در غیر این صورت بر ابعاد فقر به ZWNJ؛ دلیل افزایش قیمت کالاها و خدمات اضافه شده و این از سیاست‌های اصلی رسیدگی به تهی‌دستان عبور می‌کند. اما واقعیت این است که این دو سیاست ارزی از دهه ۱۳۴۰ تا امروز بویژه در ۱۰ سال اخیر سد راه توسعه فقر

نشده است و سد راه رشد قیمت‌ها نبوده است. بنابر این می‌توان با استناد به آمارهای گوناگون نشان داد سیاست‌های ارزی اعمال شده تا امروز در رسیدن به این راهبرد کامیابی نداشته است و باید راه نو رفت. برای اینکه گرفتاری احتمالی برای کم‌درآمدها گسترش نیابد و تا روزی که فقر از کشور ریشه کن نشده است باید با سیاست‌های یارانه‌ای کارآمد از کم‌درآمدها به شکل‌های گوناگون حمایت کرد.

تبادل ارزی و آزادسازی

اگر می‌خواهیم از ویرانگری‌های جهش‌های نرخ ارز و پیامدهای ناراحت‌کننده آن مثل تخصیص رانت ارزی، افزایش شدید قیمت کالاها و خدمات و تورم‌های دورقمی و تا ۴۰ - ۳۰ درصدی و فساد ارزی برای همیشه رها شویم راهی جز آزادسازی نرخ ارز وجود ندارد. شاید این هراس باشد که در این صورت ممکن است عدم تعادل در بازار ارز مصیبت درست کند اما به چند دلیل بلایی نازل نخواهد شد که از بلای فعلی ویرانگرتر شود. آزادسازی نرخ ارز اولاً صف‌های بزرگ رانت خواران برای دریافت ارز ترجیحی را کاهش می‌دهد و از حجم تقاضای ارز کم می‌کند. ثانیاً قاچاق معکوس و قاچاق کالا به داخل را کاهش می‌دهد و نیز واردات چمدانی و قاچاق میلیون‌ها مسافر به ایران و از مرزهای آبی و خاکی را کاهش داده و تقاضای مؤثر ارز به موارد ضروری منحصر خواهد شد. از سوی دیگر آزادسازی نرخ ارز و کاهش دستوره‌های دولتی و بانک مرکزی برای تعیین نرخ ارز و فشار برصادرکنندگان، توسعه صادرات را در یک چرخه کارآمد و فزاینده قرار خواهد داد. در این صورت تعادل ارزی به شکل ساختاری و برپایه مبادله آزاد شکل و قوام پیدا می‌کند. برای رهایی از بدبختی دگرگونی‌های شگفت‌انگیز نرخ ارز راهی جز آنچه به صورت کوتاه در این نوشته آمد، وجود ندارد.

\* رئیس هیأت مدیره فدراسیون صادرات انرژی

منبع: ایران